

بسم الله الرحمن الرحيم

شرح خطبه فدکیه - جلسه هشتم

دو رویکرد اتخاذ شده توسط دستگاه خلافت در مورد دارایی های پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، یکی پذیرش ملک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و رد قانون توارث و دیگری نحلہ حضرت در زمان حیات ایشان بوده که باید شهود بیاورند و شهود را رد کردند که این موارد فرع بر غصب خلافت بود. در رد شهود به ۵ وجه اشاره شد. ماترک حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم شامل سه بخش نحلہ و فدک و موقوفات (صدقات) شامل حوائط سبعه و ارثیه حضرت بود. مجموعه وسیعی از دارایی ها مطالبه شد که فدک بخشی از آن ها بود. شیخ انصاری در کتاب رسائل در مورد اجماع می گوید: اجماع را خودشان ساختند و به آن بعنوان یک ادله تمسک جستند. وقتی فدک رادغصب کردند، شروع کردند به آوردن انواع ادله برای اثبات آن. علمای مدرسه خلافت، از محدثان و علما و فقها توافق کردند که جمیع ماترک حضرت رسول، صدقه (وقف) است و به همان روایت نقل شده از ابوبکر از قول حضرت رسول تمسک کردند. وجه ششم - در غزوه بنی نضیر، جنگ به صلح ختم شد و بنی نضیر حاضر شدند قدری از اموال خود را بردارند و به خیبر بروند. چون قلعه بنی نضیر در حالت صلح بدست آمده بود، طبق آیه قرآن فی و ملک شخصی حضرت محسوب می شد. عمر گفت: «یا رسول الله، خمس اموال را بردارید و بقیه را بین مسلمانان تقسیم کنید.» پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «آیه نازل شده و آن را ملک من قرار داده و من از حکم خدا تجاوز نمی کنم.» مهاجرین از نظر مالی بسیار در تنگنا بودند و انصار آن ها را در منازل خود جای داده و به آن ها

کمک می کردند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «من بخشی از این املاک را به مهاجرین می بخشم.» که شامل جناب ابوبکر و عمر و تعدادی دیگر که حدود صد نفر بودند می شد. چه تفاوتی بین زمین های بنی نضیر و فدک وجود داشت؟ هر دو فیء و ملک شخصی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بودند. چه فرقی بین نحله زمین های بنی نضیر به مهاجرین و فدک به حضرت زهرا سلام الله علیها بود؟ چه فرقی بین شخصیت حضرت زهرا سلام الله علیها و ابوبکر و دیگران بود؟ چطور برای آن صد نفر که خودتان هم جزو آن ها بودید، تقاضای شهود نکردید؟

وجه هفتم- استشهاد به کلام جناب عمر ابن شبه نویسنده کتاب تاریخ مدینه: فصلی در کتاب به نام ذکر فاطمه و عباس عموی پیامبر و آن چه از ماترک پیامبر مطالبه کردند، ۲۳۰ روایت در مورد مطالبات حضرت زهرا سلام الله علیها و همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از ماترک ایشان ذکر شده است. در این کتاب روایتی از انس ابن مالک (از کودکی خادم حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بوده و از مكثرین است؛ یعنی روایات زیادی از حضرت نقل کرده است و منبع مهم اهل سنت است. او بیش از دو هزار روایت از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده که بیش از سیصدتای آن ها در صحیحین آمده است. در جلد یک صفحه ۲۳۹ از قول او آمده: فاطمه سلام الله علیها نزد ابوبکر آمد و گفت: «می دانی چقدر از حق خود در صدقات (موقوفات) و فیء و آن چه به عنوان ذوی القربی آمده محروم شده ایم؟» حضرت آیات خمس و فیء را قرائت فرمودند. ابوبکر گفت: «پدر و مادرم فدای تو و پدرت.» کتاب خدا و حق رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و حق نزدیکانش به روی چشم من، من هم چون شما کتاب خدا را می خوانم ولی من چنین فهمی از آیات ندارم که آن چه بهنوان سهم بیان شده، همه متعلق به نزدیکان پیامبر باشد. حضرت فرمودند: «اگر مال ما نیست، پس آیا برای تو و خویشاوندان توست؟» گفت: «نه، مال من و خویشاوندان من نیست؛ البته شما نزد من امین و

راستگو هستید و من به شما یقین و باور دارم. اگر حضرت رسول برای شما چیزی سفارش و یا وعده فرموده اند، من قبول دارم.» حضرت فرمودند: «نه سفارش و نه وعده ای بوده، بخشش نیازی به سفارش ندارد؛ بلکه به قرآن بسنده کرده اند. حضرت فرمودند: «وقتی آیات فی (آیات ۶ و ۷ سوره حشر) نازل شد، بعد از فتح قلعه بنی نضیر، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: بشارت بر آل محمد که برای شما بی نیازی و توانگری آمد.» ابوبکر گفت: «کاملاً صحیح است؛ ولی من از کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم این را نمی فهمم. مقصود این نیست که شما مالک می شوید بلکه شما بی نیاز می شوید، یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بعنوان شان حاکم، شما را بی نیاز می کنند.»

گفت: من یک نفرم و ما اهل مشاوره‌ایم. عمر و دیگران همراه ما بودند، از آن‌ها پرسید. «حضرت نزد عمر رفتند و او نیز دقیقاً همین جواب‌ها را داد، حضرت زهرا سلام الله علیها متعجب شدند و فهمیدند که آن‌ها کاملاً با هم توافق کرده‌اند. آن‌ها پایه‌گذاران اصل جریان سقیفه بودند و توافق آن‌ها اشاره به رویداد جریان‌ی دارد. در این جا نکاتی وجود دارد :

۱. ابوبکر اینجا حرفی از ارث نزد و فهم خود را بیان کرد و تمام اقدامات پیامبر را از شئون حکومتی دانست. بحث سهام نبود بلکه بحث، موارد مصرف بود و حاکم باید تشخیص بدهد. یعنی پیامبر فرمودند آن قدر به شما می‌دهم تا بی‌نیاز شوید، مثل فقرا و ابن‌السبیل که مالک نمی‌شوند، بلکه آن قدر به آن‌ها کمک می‌شود تا بی‌نیاز شوند. اینجا تمسک به روایت ارث نشد و این مسأله نشان می‌دهد روایت ارث بی‌اثر بوده است.

۲. همچنین ذکری از شهود نشد، نه اصل شهود و نه کیفیت شهود.

۳. پیوستگی بین اصل خلافت تا فرع آن، توافق شده بود چند نفری که بنای سقیفه را گذاشته بودند، این بود که اصل خلافت را غصب کنند و هر چه متعلق به آن باشد را

نقض کنند. جریان غاصب خلافت تمام لوازم کار را با خود آورده بودند و تمام
مواردی که جریان رغیب بخواهد فعالیتت بکند را گرفتند.

حوزه مجازی مهندس طلبه: www.onlinehawzah.com

شبکه‌های اجتماعی: [@onlinehawzah_com](https://www.instagram.com/onlinehawzah_com)

اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم